

تقریر درس خارج فقه نظام سیاسی آیت الله اراکی دامت برکاته

مقرر	حجت الاسلام محمدعلی زحمت کش	جلسه ۹	تاریخ	۱۴۰۰/۰۹/۲۴
عنوان ۱	اجرای عدل؛ اولین وظیفه رهبری			
عنوان ۲	عدل سیاسی			
عنوان ۳	مبحث سوم: اصول سیاست داخلی			
عنوان ۴	اصل چهارم: تأمین حقوق شهروندی و برابری شهروندان در آن			
عنوان ۵	حق چهارم: حق تملک و ثبات مالکیت			
عنوان ۶	بحث سوم: حق تملک بانوان			
عنوان ۷	بخش دوم: اختیار تصرف بانوان در اموال خود			

بحث ما در محدوده تصرفات زن در مال خویش به پایان رسید و روشن شد که حتی روایاتی که درباره محدودیت ظاهری تصرف زن در بعضی از موارد و مستحبات وارد شده نیز دال بر الزام نیست؛ اینکه مثلاً در روایت آمده که «لَيْسَ لِلْمَرْأَةِ أَمْرٌ مَعَ زَوْجِهَا فِي عَثْقٍ وَلَا صَدَقَةٍ وَلَا تَدْبِيرٍ وَلَا هَبَةٍ وَلَا نَذْرٍ فِي مَالِهَا إِلَّا بِإِذْنِ زَوْجِهَا»<sup>۱</sup> گفتیم که همانطوری که از عنوان گذاری مرحوم صاحب وسائل برمی آید<sup>۲</sup> حاصل این روایات، اسباب استیذان است؛ نه اشتراط استیذان زن از شوهر خود؛ روایتی که در این معنا دلالت صریحی دارد، همان روایت امامه بنت ابی العاص<sup>۳</sup> بود که آن را خواندیم و گفتیم که به قرینه این روایت که صریح در عدم توقف تصرف خود در مال خود به اذن شوهر و حتی با کراهت زوج و است، به علاوه اطلاقات قویه ای که دلالت بر جواز تصرف هر کسی بر مال خود دارد، این دسته از روایات، حمل بر استحباب استیذان زن از شوهر می شوند.

۱. وسائل الشیعة؛ کتاب النکاح، ابواب النفقات، باب ۵، ح ۱.

۲. «بَابُ كَرَاهَةِ تَصَرُّفِ الْمَرْأَةِ فِي مَالِهَا وَإِنْفَاقِهَا مِنْهُ بَعْدَ إِذْنِ زَوْجِهَا إِلَّا فِي الْوَاجِبِ وَحُكْمِ النَّذْرِ».

۳. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَنَّ أَبَاهُ حَدَّثَهُ: أَنَّ أُمَامَةَ بِنْتُ أَبِي الْعَاصِ بْنِ الرَّبِيعِ، وَأُمُّهَا زَيْنَبُ بِنْتُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَتَزَوَّجَهَا بَعْدَ عِلْقٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ الْمُغِيرَةُ بْنُ نُوفَلٍ، أَنَّهَا وَجَعَتْ وَجَعًا شَدِيدًا حَتَّى أُعْثِقَ لِسَانُهَا فَأَتَاهَا الْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ وَهِيَ لَا تَسْتَطِيعُ الْكَلَامَ فَجَعَلَا يَقُولَانِ وَالْمُغِيرَةُ كَارَهُ لِمَا يَقُولَانِ، أُعْثِقَتْ فَلَاتَا وَاهْلَهُ، فَتَشِيرُ بِرَأْسِهَا أَنْ نَعَمْ وَكَذَا وَكَذَا فَتَشِيرُ بِرَأْسِهَا نَعَمْ أَمْ لَا. قُلْتُ فَأَجَازَا ذَلِكَ لَهَا؟ قَالَ نَعَمْ.

مؤید این مطلب، روایاتی است که در منع مرد از تصرف در مال خودش در برخی از مستحبات وارد شده است؛ معلوم می‌شود که این مخصوص زن نیست و شارع گاهی مرد را نیز از تصرف در مال خودش در برخی مستحبات منع کرده است و گفتیم نکته این مطلب، همان نکته اشتراط استحبابی جواز استیذان زن از شوهر خود در تصرف استحبابی در مال خودش است. نکته‌اش این است که سرمایه خانواده تضعیف نشود و توان مالی خانواده پایین نیاید. خانواده یک واحد اجتماعی است و مانند ثروتی که یک جامعه دارد و به شکلی به تمام جامعه تعلق دارد، اگر کسی بخواهد در مال خودش تصرفی کند که ضربه به توان مالی جامعه می‌زند، در آنجا نیز این قانون جاری است؛ در خانواده نیز همینطور است؛ حال چه زن بخواهد در مال خودش تصرف کند و چه مرد بخواهد در مال خودش تصرف کند. برخی از روایاتی که درباره منع مرد از تصرف در انفاق مستحب در مال خودش وارد شده را بیان می‌کنیم تا معلوم شود این منع، مخصوص تصرف زن در مال خودش نیست.

از جمله صحیحۀ ولید بن صبیح از امام صادق علیه السلام است:

مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عِيسَى بْنِ الْحَسَنِ بْنِ مَخْبُوبٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنِ الْوَلِيدِ بْنِ صَبِيحٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي حَدِيثٍ: «أَنَّهُ تَصَدَّقَ عَلَى ثَلَاثَةِ مِنَ السُّؤَالِ ثُمَّ رَدَّ الرَّابِعَ وَقَالَ: لَوْ أَنَّ رَجُلًا كَانَ لَهُ مَالٌ يَبْلُغُ ثَلَاثِينَ أَوْ أَرْبَعِينَ أَلْفَ دِرْهَمٍ، ثُمَّ سَاءَ أَنْ لَا يُبْقِيَ مِنْهَا إِلَّا وَضْعَهَا فِي حَقِّ لَفْعَلٍ فَيَبْقَى لَهُ مَالٌ لَهُ فَيَكُونُ مِنَ الثَّلَاثَةِ الَّذِينَ يَرُدُّ دَعَاؤُهُمْ، قُلْتُ: مَنْ هُمْ؟ قَالَ: أَحَدُهُمْ رَجُلٌ كَانَ لَهُ مَالٌ فَأَنْفَقَهُ فِي وَجْهِهِ، ثُمَّ قَالَ: يَا رَبِّ ارْزُقْنِي، فَيُقَالُ لَهُ: أَلَمْ أَجْعَلْ لَكَ سَبِيلًا إِلَى طَلَبِ الرِّزْقِ؟»<sup>۱</sup>

«فی وجهه» یعنی در راه درستی که می‌توان مال را صرف کرد؛ یعنی شخص تمام مال را در راه درست انفاق کرده و بعد دعا می‌کند که خدایا به من مال بده؛ خداوند دعای چنین شخصی را مستجاب نمی‌کند.

ابن ادریس در سرائر، این روایت را با عبارت «فی غیر وجهه» نقل کرده است؛ اما متن روایتی که مرحوم کلینی روایت می‌کند، «فی وجهه» دارد که وجه درستی دارد.

روایت دیگر، صحیحۀ هشام بن مثنی است:

مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ الْمُثَنَّى قَالَ: «سَأَلَ رَجُلٌ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ «وَأَتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ»، فَقَالَ: كَانَ فُلَانٌ بْنُ فُلَانٍ الْأَنْصَارِيُّ سَمَاءً وَكَانَ لَهُ حَرْثٌ، فَكَانَ إِذَا أَخَذَ يَتَصَدَّقُ بِهِ، فَيَبْقَى هُوَ وَعِيَالُهُ بِغَيْرِ شَيْءٍ، فَجَعَلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ ذَلِكَ سَرَفًا»<sup>۲</sup>

روایت دیگر، روایتی است که داستان آن انصاری که روایت بالا به آن اشاره شد، به طور مفصل‌تر بیان شده است:

عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ هَارُونَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ مَسْعَدَةَ بْنِ صَدَقَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي حَدِيثٍ طَوِيلٍ أَنَّ الصُّوفِيَّةَ اخْتَجُوا عَلَيْهِ بِقَوْلِهِ تَعَالَى «وَيُؤْثِرُونَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ» فَقَالَ: «إِنَّ ذَلِكَ كَانَ مُبَاحًا جَائِزًا وَلَمْ يَكُونُوا نُهَوَّا

۱. وسائل الشیعة، کتاب الزکاة، ابواب الصدقة، باب ۴۲، ح ۱.

۲. همان؛ ح ۳.

عَنْهُ وَتَوَابُهُمْ مِنْهُ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَذَلِكَ أَنَّ اللَّهَ أَمَرَ بِخِلَافِ مَا عَمِلُوا بِهِ فَصَارَ أَمْرُهُ نَاسِخًا لِفِعْلِهِمْ وَكَانَ نَهْيُ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى رَحْمَةً مِنْهُ لِلْمُؤْمِنِينَ وَنَظَرًا لِكَيْلَا يُضُرُّوا بِأَنْفُسِهِمْ وَعِيَالَتِهِمْ مِنْهُمْ الصَّعَقَةُ الصَّغَارُ وَالْوَلَدَانُ وَالشَّيْخُ الْفَاقِي وَ الْعُجُوزُ الْكَبِيرَةُ الَّذِينَ لَا يَصْبِرُونَ عَلَى الْجُوعِ فَإِنْ صَدَقْتَ بِرَغِيْفِي وَلَا رَغِيْفَ لِي غَيْرُهُ ضَاعُوا وَهَلَكُوا جُوعًا فَمِنْ ثَمَرٍ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ خَمْسٌ تَمَرَاتٍ أَوْ خَمْسُ قُرُصٍ أَوْ دَنَانِيرٌ أَوْ دَرَاهِمٌ يَمْلِكُهَا الْإِنْسَانُ وَهُوَ يُرِيدُ أَنْ يُمِضِيَهَا فَأَفْضَلُهَا مَا أَنْفَقَهَا الْإِنْسَانُ عَلَى وَالِدَيْهِ، ثُمَّ الثَّانِيَةُ عَلَى نَفْسِهِ وَ عِيَالِهِ، ثُمَّ الثَّالِثَةُ عَلَى قَرَابَتِهِ الْفُقَرَاءُ، ثُمَّ الرَّابِعَةُ عَلَى جِيرَانِهِ الْفُقَرَاءُ، ثُمَّ الْخَامِسَةُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَهُوَ أَحْسَنُهَا أَجْرًا قَالَ: وَقَالَ ﷺ لِلْأَنْصَارِيِّ حِينَ أَعْتَقَ عِنْدَ مَوْتِهِ خَمْسَةً أَوْ سِتَّةً مِنَ الرَّقِيقِ وَلَمْ يَكُنْ يَمْلِكُ غَيْرَهُمْ وَلَهُ أَوْلَادٌ صِغَارٌ: لَوْ أَعْلَمْتُمُونِي أَمْرَهُ مَا تَرَكْتُكُمْ تَدْفِنُونَهُ مَعَ الْمُسْلِمِينَ، يَتْرُكُ صَبِيَّةً صِغَارًا يَتَكَفَّفُونَ النَّاسَ؟ ثُمَّ قَالَ: حَدَّثَنِي أَبِي أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ: ابْدَأْ بِمَنْ تَعُولُ الْأَذْنَى فَالْأَذْنَى<sup>۱</sup>؛

سوال یکی از شاگردان: سیره خود اهل بیت علیهم السلام به این بوده که گاهی هرچه داشتند در راه خدا انفاق می نمودند. پاسخ استاد: این بستگی به توان صبر و تحمل آن خانواده دارد؛ یک وقت این خانواده، خانواده علوی است که صبر و تحملشان زیاد است و کودکانشان نیز اهل انفاق و اهل صبر هستند؛ اما این روایات، درباره خانواده های معمولی است که تاب و توان چندانی ندارند و نمی توانند خودشان را با گرسنگی به این شکل نگه دارند و انفاق کنند. در روایت صحیح السند از رسول خدا صلی الله علیه و آله چنین وارد شده است:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يَا عَلِيُّ أَوْصِيكَ فِي نَفْسِكَ بِخَصَالٍ فَاحْفَظْهَا ثُمَّ قَالَ اللَّهُمَّ أَعْنِهِ أَمَّا الْأُولَى فَالْصَّدَقُ لَا يَخْرُجَنَّ مِنْ فَيْكِ كَذِبَةً أَبَدًا وَالثَّانِيَةُ الْوَرَعُ لَا تَجْتَرِئَنَّ عَلَى خِيَانَةٍ أَبَدًا وَالثَّالِثَةُ الْخَوْفُ مِنَ اللَّهِ كَأَنَّكَ تَرَاهُ وَالرَّابِعَةُ كَثْرَةُ الْبُكَاءِ مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ يُبْنَى لَكَ بِكُلِّ دَمْعَةٍ بَيْتٌ فِي الْجَنَّةِ وَالخَامِسَةُ بَذْلُ مَالِكَ وَدِمَكِ دُونَ دِينِكَ وَالسَّادِسَةُ الْأَخْذُ بِسُنَّتِي فِي صَلَاتِي وَصِيَامِي وَصَدَقَتِي أَمَّا الصَّلَاةُ فَالْخَمْسُونَ رَكْعَةً وَأَمَّا الصَّوْمُ فَثَلَاثَةُ أَيَّامٍ فِي كُلِّ شَهْرٍ خَمِيسٌ فِي أَوَّلِهِ وَارْبَعَاءُ فِي وَسْطِهِ وَخَمِيسٌ فِي آخِرِهِ وَأَمَّا الصَّدَقَةُ فَجُهِدَكَ حَتَّى يُقَالَ اسْرَفْتَ وَلَمْ تُسْرِفْ...<sup>۲</sup>؛

از این روایت استفاده می کنیم که صدقه، حدی ندارد؛ لذا روایاتی که خواندیم، حمل بر کراهت می شود برای کسی که توانش را ندارد. از مجموع مناسبات حکم و موضوع استفاده می شود که «سرف» در صورتی «سرف» است که شخص، تحمل آن را نداشته باشد و به دیگران احتیاج پیدا کند.

از مجموع این روایات استفاده می شود که اگر انفاق مالی مستحب، به توان مالی خانواده آسیب برساند، شارع این عمل را مکروه می داند.

و صلَّى الله على محمد و آله الطاهرين

۱. همان؛ باب ۲۸، ح ۸.

۲. همان؛ کتاب الجهاد، ابواب جهاد النفس، باب ۴، ح ۲.